

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ



نگاہے نو بہہ  
تعلیم و تربیت سیاسے

علیرضا امینی زرین



انشارات  
دانشگاه امام صادق علیه السلام

عنوان: نگاهی نو به تعلیم و تربیت سیاسی  
مؤلف: علیرضا امینی زرین  
ناشر: دانشگاه امام صادق علیه السلام  
صفحه آرا و ویرایش ادبی: محمد روشنی  
نمایه ساز و ناظر نسخه پردازی و چاپ: رضا دیبا  
چاپ و صحافی: چاپ سپیدان  
چاپ اول: ۱۳۹۹  
قیمت: ۳۲۰/۰۰۰ ریال  
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۸۲۵-۴

فروشگاه مرکزی: تهران: خیابان انقلاب، بین خیابان فخررازی و خیابان دانشگاه، مجتمع پارسا، همکف، واحد ۲ و ۲  
تلفن: ۶۶۹۷۳۲۱۲

فروشگاه کتاب صادق: تهران: بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، ضلع شمالی دانشگاه  
سندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵ • کد پستی: ۱۴۶۵۹۴۳۶۸۱ • تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲  
فروشگاه اینترنتی: E-mail: pub@isu.ac.ir • www.ketabesadiq.ir

سرشناسه: امینی زرین، علیرضا، ۱۳۶۲-  
عنوان و ناو پدیدآور: نگاهی نو به تعلیم و تربیت سیاسی / تألیف علیرضا امینی زرین.  
مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۹.  
مشخصات ظاهری: ۲۲۰ص.  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۸۲۵-۴-۳-۱-۴-۸۲۵-۴  
موضوع: آموزش و پرورش - ایران - جنبه‌های سیاسی  
موضوع: آموزش و پرورش - ایران - جنبه‌های اجتماعی  
شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)  
رده‌بندی کنگره: LC ۹۴  
رده‌بندی دیویی: ۳۷۹/۵۵  
شماره کتابشناسی ملی: ۶۱۷۵۹۲۵

تمام حقوق محفوظ است، هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه مکتوب ناشر قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا و انتقال در فضای مجازی نمی‌باشد.  
این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

## فهرست مطالب

سخن ناشر.....	۹
مقدمه.....	۱۱
فصل اول: کلیات تعلیم و تربیت سیاسی.....	۱۵
پهنه و گستره تعلیم و تربیت سیاسی.....	۱۵
اهمیت و ضرورت تعلیم و تربیت سیاسی.....	۱۹
تعلیم و تربیت سیاسی در اسناد فرادستی.....	۲۴
قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.....	۲۵
سند تحول بنیادین آموزش و پرورش.....	۲۶
برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران.....	۲۹
جمع بندی تعلیم و تربیت سیاسی در اسناد فرادستی.....	۲۹
تعلیم و تربیت سیاسی در پژوهش های داخلی و خارجی.....	۳۰
پژوهش های داخلی.....	۳۰
پژوهش های خارجی.....	۳۵
جمع بندی پژوهش های داخلی و خارجی.....	۴۶
فصل دوم: ادبیات نظری تعلیم و تربیت سیاسی.....	۴۹
مفهوم سیاست، نظریه ها و دیدگاه ها.....	۵۰
نگاه کلاسیک به مفهوم سیاست.....	۵۹

۵۹	افلاطون.....
۶۰	ارسطو.....
۶۲	نگاه نو به مفهوم سیاست.....
۶۲	ماکیاولی.....
۶۳	هابز.....
۶۵	لاک.....
۶۷	روسو.....
۶۸	نگاه فرهنگ اسلامی و فلاسفه مسلمان به مفهوم سیاست.....
۷۰	سیاست، فرهنگ سیاسی و تعلیم و تربیت سیاسی در نهج البلاغه.....
۷۵	سیاست در نگاه اندیشمندان مسلمان.....
۷۵	فارابی.....
۷۷	ابن سینا.....
۸۰	خواجه نظام الملک.....
۸۲	ابن خلدون.....
۸۵	امام خمینی (ره).....
۸۹	جمع بندی از تعاریف سیاست در این پژوهش.....
۹۳	رابطه متقابل تربیت و سیاست.....
۹۴	تأثیر تربیت بر سیاست.....
۹۴	سیاست ستیزی و سیاست گریزی.....
۹۴	سیاست زدگی.....
۹۴	سیاست نگری.....
۹۵	تأثیر سیاست بر تربیت.....
۹۷	نظریه های سیاسی در برنامه درسی و تعلیم و تربیت.....
۱۰۴	نظریه محافظه کاری.....
۱۰۷	نظریه انتقادی.....
۱۱۲	نظریه آزادمنشانه یا دموکراتیک.....
۱۱۴	نظریه فرانوگرایی یا پست مدرن.....
۱۱۸	رویکردهای دیگر در خصوص نظریه های تعلیم و تربیت سیاسی.....

۱۲۳	فصل سوم: مبانی تعلیم و تربیت سیاسی.....
۱۲۳	مبانی تاریخی تعلیم و تربیت سیاسی.....
۱۲۵	تاریخچه تعلیم و تربیت سیاسی در ایران.....
۱۲۵	تعلیم و تربیت سیاسی در ایران باستان تا صدر اسلام.....
۱۲۷	تعلیم و تربیت سیاسی از صدر اسلام تا تأسیس دارالفنون.....
۱۳۰	تعلیم و تربیت سیاسی از تأسیس دارالفنون تا اواخر دوره قاجار.....
۱۳۴	تعلیم و تربیت سیاسی در دوره پهلوی.....
۱۳۵	تعلیم و تربیت سیاسی بعد از انقلاب اسلامی.....
۱۳۷	برنامه درسی تعلیم و تربیت سیاسی و اجتماعی در نظام جمهوری اسلامی ایران ...
۱۳۷	برنامه درسی تعلیم و تربیت سیاسی و اجتماعی در دوره پیش دبستان و ابتدایی ...
	برنامه درسی تعلیم و تربیت سیاسی و اجتماعی در دوره متوسطه اول
۱۳۹	(راهنمایی).....
	برنامه درسی تعلیم و تربیت سیاسی و اجتماعی در دوره متوسطه دوم
۱۴۱	(دبیرستان).....
۱۴۳	مبانی فلسفی و مفهوم‌شناسی تعلیم و تربیت سیاسی.....
۱۵۲	شکل‌ها و مراحل تعلیم و تربیت سیاسی.....
۱۶۰	تناظر مراحل گذرگاه سیاست‌پذیری مبتنی بر دو حوزه نظر و عمل.....
۱۶۲	مبانی جامعه‌شناختی تعلیم و تربیت سیاسی.....
۱۶۳	نظریات جامعه‌شناختی با محوریت آگاهی‌بخشی.....
۱۶۳	نظریه پدیدارشناسی.....
۱۶۴	نظریه کنش متقابل نمادین.....
۱۶۴	نظریه مارکسیستی.....
۱۶۵	نمود و نقش تعلیم و تربیت سیاسی در جامعه.....
۱۶۶	جامعه‌پذیری سیاسی.....
۱۶۹	توسعه سیاسی.....
۱۷۱	تربیت شهروندی.....
۱۷۵	مبانی روان‌شناختی تعلیم و تربیت سیاسی.....
۱۷۵	ارتباط روان‌شناختی اشکال تعلیم و تربیت سیاسی بر مبنای حیطه‌های یادگیری.....
۱۷۹	تناظر جدول روان‌شناسی رشد با مراحل تعلیم و تربیت سیاسی.....

تناظر اسمی مراحل رشدی با کلیدواژگان حوزه علوم سیاسی و مراحل تعلیم و تربیت	سیاسی
۱۸۳	۱۸۳
فصل چهارم: الگوی مفهومی تعلیم و تربیت سیاسی	۱۸۵
۱۸۵	۱۸۵
جمع‌بندی مبانی تعلیم و تربیت سیاسی	۱۸۶
۱۸۶	۱۸۶
تیین اصول تعلیم و تربیت سیاسی	۱۹۲
۱۹۲	۱۹۲
الگوی مفهومی تعلیم و تربیت سیاسی	۱۹۷
۱۹۷	۱۹۷
منابع و مآخذ	۱۹۹
۱۹۹	۱۹۹
نمایه	۲۱۵
۲۱۵	۲۱۵

### فهرست جداول

جدول شماره ۱-۲: جمع‌بندی تعاریف سیاست	۹۱
۹۱	۹۱
جدول شماره ۲-۲: مهم‌ترین نظریه‌های سیاسی در برنامه درسی و تعلیم و تربیت	۱۰۲
۱۰۲	۱۰۲
جدول شماره ۲-۳: جمع‌بندی نظریه‌های تعلیم و تربیت سیاسی	۱۲۰
۱۲۰	۱۲۰
جدول شماره ۳-۱: جمع‌بندی مبانی تاریخی تعلیم و تربیت سیاسی	۱۴۳
۱۴۳	۱۴۳
جدول شماره ۳-۲: کلیدواژه و شرح مختصر از اصطلاحات	۱۵۸
۱۵۸	۱۵۸
جدول شماره ۳-۳: حوزه نظر و عمل در برنامه درسی تعلیم و تربیت سیاسی در دو سطح	۱۶۰
۱۶۰	۱۶۰
جدول شماره ۳-۴: جمع‌بندی اشکال تعلیم و تربیت سیاسی	۱۶۱
۱۶۱	۱۶۱
جدول شماره ۳-۵: جمع‌بندی نمود و نقش تعلیم و تربیت سیاسی در جامعه	۱۷۴
۱۷۴	۱۷۴
جدول شماره ۳-۶: مقایسه سه حیطه رفتاری با اشکال تعلیم و تربیت سیاسی	۱۷۹
۱۷۹	۱۷۹
جدول شماره ۳-۷: مقایسه مراحل رشدی و مراحل تعلیم و تربیت سیاسی و دوره‌های تحصیلی	۱۸۰
۱۸۰	۱۸۰
جدول شماره ۳-۸: جدول مقایسه‌ای مراحل رشدی، مراحل تعلیم و تربیت سیاسی با مراحل شناختی بلوم	۱۸۴
۱۸۴	۱۸۴

### فهرست نمودارها

نمودار شماره ۱-۱: مختصات تعلیم و تربیت سیاسی در حوزه‌های مطالعاتی مرتبط	۱۸
۱۸	۱۸
نمودار شماره ۲-۱: تقابل تربیت، دولت و سیاست در لوای حکومت مشروع	۹۳
۹۳	۹۳
نمودار شماره ۳-۱: جایگاه سیاست‌پذیری در میان سه حیطه هدف‌های یادگیری بلوم	۱۷۸
۱۷۸	۱۷۸
نمودار شماره ۳-۲: مقایسه سه حیطه یادگیری با اشکال تعلیم و تربیت سیاسی	۱۷۹
۱۷۹	۱۷۹
نمودار شماره ۵-۱: الگوی مفهومی تعلیم و تربیت سیاسی مبتنی بر اصول و مبانی نظری	۱۹۸
۱۹۸	۱۹۸



## سخن ناشر

---

رسالت و مأموریت دانشگاه امام صادق (علیه السلام) «تولید علوم انسانی اسلامی» و «تربیت نیروی درجه یک برای نظام» (که در راهبردهای ابلاغی مقام معظم رهبری مدظله تعیین شده) است. اثرپذیری علوم انسانی از مبانی معرفتی و نقش معارف اسلامی در تحول علوم انسانی، دانشگاه را بر آن داشت که به طراحی نو و بازمهندسی نظام آموزشی و پژوهشی جهت پاسخگویی به نیازهای نوظهور انقلاب، نظام اسلامی، و تربیت اسلامی به عنوان یک اصل محوری برای تحقق مأموریت خویش بپردازد و بر این باور است که علم توأم با تزکیه نفس می‌تواند هویت جامعه را متأثر در مسیر تعالی و رشد قرار دهد.

از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل‌ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهره‌مندی از نتایج آن‌هاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخگویی به این نیاز بنیادین است.

**دانشگاه امام صادق (علیه السلام)** در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم‌اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیان‌گذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام‌عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

**معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه السلام)** با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آنها است تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت **مکتب علمی امام صادق (علیه السلام)** را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت. (ان شاء الله)

ولله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه

## مقدمه

---

انسان از طریق تربیت شکوفا شده و مسیر دستیابی وی به کارکردهای گوناگون بشری از طریق آموزش میسر می‌شود. لذا رشد و بالندگی انسان در گرو رویکردهای متعالی و مترقی نظام تربیتی حاکم بر وی می‌باشد. تعلیم و تربیت کارکردهای مختلفی از جمله علمی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دارد. از این رو، همواره موضوعی مهم و ابزاری مؤثر برای رشد و توسعه جامعه در نظر گرفته می‌شود.

یکی از مهم‌ترین کارکردهای تعلیم و تربیت ملی، تعلیم و تربیت سیاسی است. امروزه تعلیم و تربیت سیاسی و اجتماعی در همه کشورها از اولویت‌های تعلیم و تربیت به‌شمار می‌رود. در این راستا کشورها به نوعی سرمایه‌گذاری می‌کنند. به عبارتی دیگر نظام‌های آموزشی به منظور پاسخگویی به انتظارات و نیازهای جمعی شهروندان و همچنین تعلیم و تربیت سیاسی و اجتماعی که دارای خصوصیات مورد نظر جامعه باشند، بخش عظیمی از منابع خود را صرف آن می‌نمایند (نادریپور، ۱۳۸۲). بدون تردید رشد، توسعه و بالندگی کشورها در همه حوزه‌های زندگی در گرو بازیافتن نسل فردا و اهتمام به تعلیم و تربیت سیاسی و اجتماعی آن‌هاست. به عبارت بهتر، یک جامعه توسعه‌یافته نیازمند افرادی با بینش سیاسی جامع‌نگر و با قدرت بالای درک، شناخت و تجزیه و تحلیل سیاسی است. بر این اساس، توسعه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نیازمند یک فرهنگ غنی و پویاست که در این فرایند زمانی شکل گرفته و نهادینه شده باشد؛ این خود مستلزم آن است که فرد به عنوان ابزار اصلی و

عامل توسعه‌یافتگی پایدار در طی فرایند جامعه‌پذیری، شاکله‌های اصلی و ضروری توسعه را درونی کرده باشد.

اشکال تعلیم و تربیت سیاسی مانند آگاهی سیاسی، دانش سیاسی، سواد سیاسی و تربیت سیاسی، واژگانی هستند که علی‌رغم تفاوت‌های معنایی و ماهوی خویش، بهره‌مندی از آنان موجبات پرورش فضائل، دانش‌ها و مهارت‌های مورد نیاز برای مشارکت سیاسی را فراهم می‌سازد. لذا تعلیم و تربیت سیاسی، افراد را برای مشارکت فعالانه در فرایند بازسازی، اصلاح و بهبود آگاهانه جامعه خویش آماده می‌سازد. از نظر سول<sup>۱</sup>، تعلیم و تربیت سیاسی فرایندی است که ناظر بر تغییر نگرش‌های سیاسی افراد و افزایش مهارت‌های مشارکتی و قابلیت‌های اجتماعی و ارزش‌گذاری آن‌ها نسبت به حقوق سایر شهروندان است (نیلی و همکاران، ۱۳۹۳).

امروزه این فرض پذیرفته شده است، برای آنکه شهروندان به نحوی مطلوب‌تر بتوانند ترجیحات خود را ابراز و نمایندگانشان را انتخاب نمایند، باید از حداقل تعلیم و تربیت سیاسی در زمینه نظام سیاسی برخوردار باشند در واقع، یکی از آثار مهم تعلیم و تربیت سیاسی در نظام‌های مبتنی بر مشارکت این است که شهروندان از ابزار و سازوکارهای گوناگون کنترل مقامات منتخب برای پیشگیری عدول از قدرت خود و نیز پاسخگو نگه‌داشتن آن‌ها در برابر مردم بهره می‌گیرند. به‌طور کلی فرضیه پذیرفته شده این است که شهروندان برای این منظور باید از سواد و اطلاعات کافی درباره سیاست و موضوعات اجتماعی برخوردار باشند (مسعودنیا، ۱۳۸۷).

در راستای اهمیت تعلیم و تربیت سیاسی در حکومت‌های مردمی و اینکه افراد برای آنکه شهروندانی شایسته باشند، باید به اندازه کافی از سیاست آگاهی داشته باشند، کارپینی<sup>۲</sup> و کیتز<sup>۳</sup> استدلال می‌کنند که احتمال مشارکت شهروندان مطلع، در سیاست بیشتر است و آنان بهتر می‌توانند منافع شخصی خود را تشخیص داده و بهتر می‌توانند نفع فردی خود را با افکار و ایده‌های خاص درباره سیاست ارتباط دهند. آنان به احتمال زیاد دارای افکاری هستند که از انسجام کافی برخوردارند و در طول زمان ثابت می‌مانند و به احتمال زیاد افکارشان را به‌گونه‌ای عقلانی و معنادار، به مشارکت

---

1. Soule  
2. Carpini  
3. Keeter

سیاسی خود ارتباط می‌دهند. از نظر آن‌ها، هر چه شهروندان، بیشتر مطلع باشند، به احتمال زیاد سایر لوازم و شرایط شهروندی مطلوب، نظیر مدارای سیاسی را از خود نشان می‌دهند (مسعودنیا، ۱۳۸۷).

از سوی دیگر یک نظام سیاسی هر اندازه از مشارکت عمومی و سیاسی برخاسته از تعلیم و تربیت سیاسی در اداره امور جامعه خویش برخوردار باشد، به همان میزان از مشروعیت و حقانیت بیشتری بهر مند می‌شود. بدین معنا که مردم با مشارکت در سرنوشت مشترک خود، خویش را با حکومت و سازمان اجرایی جامعه، هماهنگ و در تعادل می‌بینند و حکومت نیز در پیشبرد امور، به اعمال زور، خشونت و قوه قهریه نیازی نداشته و ثبات، تداوم، بقا و ماندگاری آن نظام سیاسی تضمین خواهد شد (علمی، ۱۳۸۷). پس می‌توان بر این نکته تأکید نمود که امروزه تداوم حیات و پیشرفت جوامع در گرو وجود شهروندانی فعال، مسئولیت‌پذیر و باسواد و آگاه نسبت به وضع سیاسی و اجتماعی است. با آگاه شدن افراد به حقوق خویش، حقوق دیگران، مسئولیت خود در قبال جامعه و بالعکس، نظم اجتماعی روند رو به رشدی به خود گرفته و جامعه به جامعه‌ای پویا تبدیل می‌شود (نیلی و همکاران، ۱۳۹۳).

انتظار از وجود شهروندی با ویژگی‌های یاد شده بدون توجه به آموزش و تربیت وی امکان‌پذیر نیست. به عبارت دیگر تحقق وجود شهروندانی فعال، مسئولیت‌پذیر و باسواد و آگاه نسبت به وضع سیاسی و اجتماعی، خود در گرو پیش‌بینی نظام یادگیری مبتنی بر این اهداف و در مرحله بعد تربیت او در این نظام خواهد بود. این مهم تأکیدی است بر تبیین و تعیین عرصه‌ای در نظام تعلیم و تربیت با عنوان «ساحت سیاسی - اجتماعی». می‌توان این ساحت را بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی ناظر به کسب شایستگی‌هایی دانست که فراگیران را قادر می‌سازد تا ضمن آگاهی و پاسخگویی به حقوق و مسئولیت‌های خود، شهروندانی فعال و باسواد باشند و در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی مشارکت کنند.

پهنه و گستره سیاست منظومه‌ای است که حرکت و سیر تکاملی در آن از طریق مراحل ممکن است که هر کدام وام‌دار کلیدواژه‌های مطرح در این گذرگاه است. به نظر می‌رسد تسلط بر هر کدام از این مفاهیم و مبادی مطرح در این گستره می‌تواند به منزله مرحله یا گام‌هایی محسوب شود که متر بیان برای اشراف و به دست آوردن یک دید

کلی، ناگزیر از عبور از هر کدام با ویژگی‌های تربیتی هستند. بنابراین لازم است این مفاهیم مرور شده و اجمالاً معرفی شوند. گو اینکه مفاهیم مرتبط سیاست و تعلیم و تربیت در عرصه‌های بومی و بین‌المللی با این کلیدواژگان و اصطلاحات، عجین بوده و خالق مفهومی باعنوان کلی «گذرگاه‌های سیاست‌پذیری»<sup>۱</sup> در این مجال هستند (جیمز پی، ۱۹۷۵).

## فصل اول:

### کلیات تعلیم و تربیت سیاسی

(قلمرو، اهمیت، ضرورت و ادبیات و پیشینه پژوهشی)

#### پهنه و گستره تعلیم و تربیت سیاسی

مبانی تعلیم و تربیت عاملی تأثیرگذار بر جهت‌گیری‌ها، کیفیت فعالیت‌ها و اقدامات تربیتی است. حوزه تعلیم و تربیت دارای مبانی مختلفی است. مبانی اجتماعی و سیاسی یکی از مهم‌ترین آن‌هاست که بر پایه آن می‌توان اصول و رهنمودهایی را برای هدایت فعالیت‌های متریبان اتخاذ نمود. مشارکت فعالانه افراد در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی، موجبات پویایی و نشاط یک جامعه را فراهم می‌آورد. مشارکت مؤثر افراد نیز در سایه آگاه کردن شهروندان، انتقال ارزش‌ها و مجهز نمودن آنان به مهارت‌های اساسی از جمله تفکر منطقی، تصمیم‌گیری، تفکر انتقادی، حل مسئله و نظایر آن و در اصطلاح عام تعلیم و تربیت سیاسی است. در ذیل حوزه تعلیم و تربیت، برنامه‌ریزان درسی نیز بر اساس این مبانی و معیارهای مورد تأکید، اقدام به طراحی و تدوین برنامه درسی می‌نمایند. اهمیت تعلیم و تربیت رسمی و در قالب برنامه‌های درسی که در مدارس ارائه می‌شود از آنجایی است که دانش‌آموز، مدت زمان قابل توجهی را در مدارس می‌گذراند و در معرض آموزش‌های رسمی قرار می‌گیرد. در واقع فرایند برنامه‌ریزی در بسیاری مواقع دارای خصوصیات، دلالت‌ها و پیامدهای سیاسی

است که این موضوع مورد توجه بسیاری از صاحب‌نظران و اندیشمندان قلمروی، برنامه‌درسی می‌باشد. زایس<sup>۱</sup> به نقل از کرس<sup>۲</sup> و واکر<sup>۳</sup> نقل می‌کند که «برنامه‌ریزی درسی نه تنها تحت تأثیر پدیده‌های مختلف سیاسی قرار می‌گیرد، بلکه خود به‌تنهایی در جنبه‌های مختلف یک فرایند سیاسی است» (زایس، ۱۹۷۶، به نقل از امینی و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۲). همچنین پاینار<sup>۴</sup> و همکاران، در کتاب «فهم برنامه‌درسی»<sup>۵</sup> ضمن آنکه فهم برنامه‌درسی را به عنوان یک متن یا مکتوب سیاسی<sup>۶</sup> مورد توجه قرار می‌دهند، اذعان می‌کنند که «درک و فهم برنامه‌درسی اصولاً بدون توجه به زمینه و محیط سیاسی و اجتماعی آن ناممکن است» (پاینار و همکاران، ۱۹۹۵، به نقل از امینی و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۲). سایر اندیشمندان حوزه برنامه‌درسی و نظریه‌پردازان انتقادی این حوزه از جمله پائولو فریره<sup>۷</sup> و مایکل اپل<sup>۸</sup> نیز، ابعاد، دلالت‌ها و جهت‌گیری‌های سیاسی آموزش و پرورش و برنامه‌های درسی را مورد توجه قرار داده‌اند (فتیحی، ۱۳۹۲).

در مفهوم‌پردازی تعلیم و تربیت سیاسی در نظام‌های آموزشی مختلف جهان، آموزش سیاسی مجزای از تدریس علوم سیاسی و مسائل مربوط به دولت است. آموزش سیاسی صرفاً فرایندی آکادمیک نیست و مفهومی گسترده‌تر از علم سیاست است و بر مشارکت و عمل تأکید دارد (لی، ۱۹۹۷). تعلیم و تربیت سیاسی به عنوان زیرمجموعه تربیت اجتماعی، از اهمیت بالایی برخوردار است و شاید بتوان گفت که از میان کارکردها و نقش‌هایی که برعهده نظام آموزشی یک کشور است، آموزش سیاسی و مدنی یکی از مهم‌ترین کارکردهای آن است، زیرا تداوم حیات جامعه تا حد زیادی به این کارکرد بستگی دارد (معین‌آبادی و سلطانی، ۱۳۹۴).

در قلمروی میانی حوزه سیاسی - اجتماعی و نظام تعلیم و تربیت، تربیت شهروندی از اهمیت بالایی برخوردار بوده و تربیت شهروندان خوب یکی از دل‌مشغولی‌های اکثر نظام‌های تربیتی در بسیاری از کشورهای دنیاست (سند تحول بنیادین آموزش و

---

1. Zais  
 2. Kirst  
 3. Walker  
 4. Pinar  
 5. Understanding Curriculum  
 6. Political Text  
 7. Paulo Freire  
 8. Michael Apple

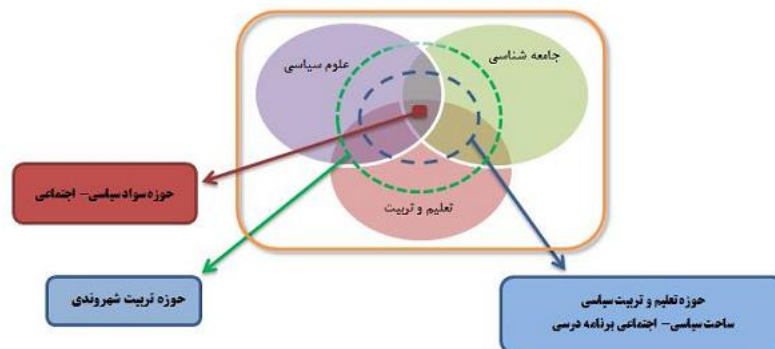


پرورش، ۱۳۹۰). موضوع تربیت شهروندی به عنوان بخشی از مبانی اجتماعی و سیاسی شامل طیفی از دیدگاه‌های فلسفی، ایدئولوژیکی و سیاسی و نیز رویکردهای تعلیم و تربیت است و به یکی از پربارترین عرصه‌های پژوهشی در نظام‌های تعلیم و تربیت تبدیل شده است (فلتاش، ۱۳۹۱). در واقع تربیت شهروندی تدارک فرصت‌هایی برای اشتغال دانش‌آموزان در تجربه‌های معنادار یادگیری است. به گونه‌ای که به تسهیل رشد آن‌ها به عنوان افراد متعهد و فعال اجتماعی و سیاسی بینجامد (Iiomana, Carolyn, & Judith, 2006).

برخی از اندیشمندان حوزه تعلیم و تربیت، یکی از مقوله‌های تربیت شهروندی را تعلیم و تربیت سیاسی دانسته‌اند که هدف آن آماده کردن دانش‌آموزان برای مشارکت سیاسی، انتقال ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای سیاسی به نسل نو است (رضوی و همکاران، ۱۳۸۹). در تعریف تعلیم و تربیت سیاسی تا حدودی بین صاحب‌نظران اختلاف وجود دارد؛ برای تعریف تعلیم و تربیت سیاسی باید تمامی مؤلفه‌های مطرح در این حوزه مورد توجه قرار بگیرد. در واقع توجه به ابعاد خاصی از تعلیم و تربیت سیاسی نمی‌تواند ما را در رسیدن به تعریف جامعی یاری رساند. محمد طحان تعلیم و تربیت سیاسی را این‌گونه تعریف می‌کند: «ایجاد، تأسیس و رشد شخصیت سیاسی انسانی که تحت پرورش است تا جایی که با فرهنگ حقیقی سیاست تناسب داشته باشد. همچنین تربیت سیاسی به معنای تقویت بینش انسان است به صورتی که اهل نظر بوده، توانایی تحصیل و کسب بینش سیاسی (مستقل) را برای خود به ارمغان آورده و نیز به معنای تقویت بنیه مشارکت سیاسی انسان به نحوی که قدرت و توانایی فعالیت و مشارکت سیاسی را در جامعه با تمام اشکال و عناوین موجود که به ایجاد تغییر و تحول بهتر بیانجامد، داشته باشد» (طحان، ۱۳۸۱: ۱۷۳). گاتمن<sup>۱</sup> (۱۹۸۹) تعلیم و تربیت سیاسی را به معنای پرورش و ایجاد ویژگی‌ها، آگاهی‌ها و مهارت‌های لازم برای مشارکت تعریف می‌کند. کازامیاس و ماسیالاس<sup>۲</sup>، تعلیم و تربیت سیاسی را فرایندی می‌دانند که از طریق آن افراد جهت‌گیری سیاسی خود را نسبت به جامعه کسب می‌کنند. از نظر آن‌ها، تعلیم و تربیت سیاسی فرایندی است که از طریق آن، ارزش‌های سیاسی و اجتماعی از یک نسل به نسل دیگر منتقل می‌شود (علاقه‌بند، ۱۳۷۳).

1. Gottmann

2. Kazamias and Massialas



نمودار شماره ۱-۱: مختصات تعلیم و تربیت سیاسی در حوزه‌های مطالعاتی مرتبط

بنابراین تعلیم و تربیت سیاسی که از مهم‌ترین کارکردهای نظام آموزشی به طور عام و برنامه‌های درسی<sup>۱</sup> به طور خاص محسوب می‌شود، ناظر بر ایجاد و رشد مجموعه‌ای از شناخت‌ها<sup>۲</sup>، عواطف<sup>۳</sup> و مهارت‌های<sup>۴</sup> سیاسی و اجتماعی در دانش‌آموزان می‌باشد (امینی و همکاران، ۱۳۸۸). این در حالی است که لوماس<sup>۵</sup> ضمن اشاره به علاقمندی و گرایش دانش‌آموزان به آگاهی از مسائل و موضوعات سیاسی، ضرورت تعلیم و تربیت سیاسی دانش‌آموزان را از منظر برخوردار کردن آن‌ها از سواد سیاسی<sup>۶</sup> مطرح می‌سازد. از این رو می‌توان به این مسئله اذعان نمود که سواد سیاسی در بین مراحل تعلیم و تربیت سیاسی با واسطه یا بی‌واسطه از مؤلفه‌های تربیت شهروندی به حساب می‌آید. چنانچه برنارد کریک و پورتر<sup>۷</sup> (۱۹۷۸) از مشهورترین اندیشمندان حوزه تربیت شهروندی در جهان در کتاب مشهور خود با عنوان «آموزش سیاسی و سواد سیاسی»، دانش سیاسی را به عنوان بخشی از سواد سیاسی و نیز سواد سیاسی را به عنوان بخش سه‌گانه آموزش شهروندی (مسئولیت اجتماعی و اخلاقی، حضور و مشارکت در اجتماع و سواد سیاسی) دانسته و این آموزش را در جهت حفظ و ارتقای فهم سیاسی و شناخت موضوعات سیاسی درگیر در زندگی اجتماعی می‌داند.

1. Curriculum
2. Cognitions
3. Affections
4. Skills
5. Lomas
6. Political Literacy
7. Bernard Crick & Porter

وی در همین رابطه، سواد سیاسی را بیش از آگاهی از جزئیات ساختارها و نهادهای سیاسی دانسته و شناخت و فهم ریشه‌های نزاع سیاسی در جامعه را به معنای دستیابی به سواد سیاسی ذکر می‌کند. این دو نویسنده در همین کتاب، سه عنصر یا مرحله را برای سواد سیاسی بر می‌شمارند: در ابتدا، برخورداری از اطلاعات پایه در خصوص ساختارهای سیاسی، در مرحله بعد، پایبندی به ارزش‌های رفتاری شامل تحمل و شکیبایی و احترام متقابل و در نهایت برخورداری از مهارت‌های مورد نیاز مربوط به فعالیت سیاسی.

### اهمیت و ضرورت تعلیم و تربیت سیاسی

می‌توان بر این نکته اذعان نمود که درک و فهم حوزه تعلیم و تربیت سیاسی برنامه درسی و توجه به آن در این حوزه با هدف تربیت دانش‌آموزان کنشگر، فعال، مشارکت‌جو، بازیگر و ترسیم‌کننده و معمار آینده جامعه خویش، امری اجتناب‌ناپذیر است. از سوی دیگر، بررسی اسناد بالادستی در جمهوری اسلامی ایران، چه در بُعد عمومی مانند قانون اساسی و چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ و چه در بُعد اختصاصی حوزه تعلیم و تربیت و برنامه درسی مانند سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی، حاکی از اهمیت حوزه سیاسی - اجتماعی و روشنگری و مشارکت‌متریبان در امور سیاسی و آینده کشور در نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. در بند دوم از اصل سوم قانون اساسی، بر لزوم افزایش سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها تأکید شده است. در بند هشتم همین اصل نیز به اهمیت مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش اشاره نموده است. در سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ به اهمیت پیوستگی مردم و حکومت و بر لزوم فعال و مسئولیت‌پذیر بودن افراد جامعه اشاره شده است. تلاش در جهت تبیین و استحکام مبانی مردم‌سالاری دینی و نهادینه کردن آزادی مشروع از طریق آموزش، آگاهی‌بخشی و قانونمند کردن آن از دیگر مواردی است که به اهمیت ارتقای آگاهی و سواد سیاسی و شهروندی افراد جامعه در تبیین این سند را نشان می‌دهد. در جای دیگر از سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران، از اهمیت مشارکت و ثبات سیاسی شهروندان سخن به میان آمده است.

در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ساحت‌های تعلیم و تربیت به عنوان

مبانی نظری و عملی مورد بررسی قرار گرفته است. یکی از ساحت‌های شش‌گانه مورد توجه سند در نظام تعلیم و تربیت کشور، ساحت سیاسی - اجتماعی است. بر اساس این سند، «ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی ناظر به کسب شایستگی‌هایی است که متریان را قادر می‌سازد تا شهروندانی فعال و آگاه باشند و در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی مشارکت کنند» (سند تحول، ۱۳۹۰: ۳۰۲). در قسمت اهداف این ساحت به اهمیت درک مناسب موقعیت اجتماعی و سیاسی خود و جامعه و مواجهه خردمندانه با تحولات اجتماعی و سیاسی بر اساس نظام معیار اسلامی، به منظور ساختن آینده‌ای روشن و تأثیرگذار بر آینده خود و جامعه در سطح ملی و جهانی، اشاره شده است. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که «درک مناسب از شرایط سیاسی و مواجهه خردمندانه با اوضاع سیاسی و اجتماعی» بدون بهره‌مندی از مؤلفه‌های سواد سیاسی مسئله‌ای ناممکن است. در یکی دیگر از اهداف این ساحت، تعامل شایسته با نهاد دولت و سایر نهادهای مدنی و سیاسی و کسب شایستگی‌هایی نظیر رعایت قانون، مسئولیت‌پذیری، مشارکت اجتماعی و سیاسی و پاسداشت ارزش‌های اجتماعی نیز در چارچوب سواد سیاسی امکان‌پذیر و قید شایستگی در این هدف بر مبنای آموزش و ارتقای سواد محقق خواهد شد (سند تحول، ۱۳۹۰: ۱۵۵). در واکاوی بیشتر سند تحول، عبارت‌هایی چون «درک و فهم سیاسی»، «حضور آگاهانه و مشارکت فعال عموم مردم در حیات اجتماعی و سیاسی»، «مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی» و «بسط مشارکت سازنده و نقش‌آفرینی عموم آحاد مردم در تحولات اجتماعی و سیاسی»، نشان از اهمیت توجه به سواد و آگاهی سیاسی در پرتو تربیت و آموزش دارد.

برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران نیز ضمن تأکید بر آشنایی متریان با ویژگی‌های نظام مردم‌سالار دینی و جایگاه و رسالت جهانی ایران اسلامی، به این موضوع می‌پردازد که تربیت اسلامی باید فرد را توانمند ساخته که به‌گونه‌ای فعال، جامعه را به سوی آرمان‌های اسلامی سوق داده و در برابر آسیب‌های اعتقادی، اخلاقی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، ایستادگی و مقاومت کند و به او این توانایی را بدهد که در آینده در تربیت فرزندان خود موفق و در تعالی جامعه مشارکت مؤثر داشته باشد (برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱: ۲۲). همچنین در قسمت

دیگری از اهداف این برنامه، احساس مسئولیت نسبت به نظام اسلامی و مشارکت در پیشرفت نظام و اقتدار و سربلندی آن در جهان بیان شده است (برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱: ۲۳). لذا این نکته قابل استحصال است که آگاهی از آسیب‌های سیاسی و احساس مسئولیت نسبت به نظام سیاسی حکومت اسلامی بدون توجه به آگاهی‌بخشی سیاسی و اجتماعی تعریف شده در چارچوب سواد سیاسی امکان‌پذیر نخواهد بود.

لذا از بررسی‌های به عمل آمده در اسناد بالادستی نظام تربیتی کشور، می‌توان بر این نکته اذعان نمود که توجه به مقوله سیاست به صورت عمومی و مقولات خاصی چون تربیت شهروندی، تعلیم و تربیت سیاسی چون آگاهی سیاسی و سواد سیاسی در حوزه تعلیم و تربیت، امری مطلوب و اجتناب‌ناپذیر بوده و علاوه بر حصول و ارتقای مفاهیمی چون، مشارکت سیاسی، دانش سیاسی، تربیت شهروندی و غیره، بهره‌مندی از قدرت تحلیلی و نقادی مبتنی بر اصول مفروض اسلامی - ایرانی در چارچوب تفکر خلاق و موشکافانه در تصمیم‌گیری و نقش‌آفرینی سیاسی و اجتماعی متربیان و کنشگران آینده کشور را به همراه خواهد داشت.

مشروعیت یک نظام سیاسی در این است که بتواند جوانان یک جامعه را به مثابه نیروی جدید برای تغییر در ابعاد مختلف وارد میدان کند و این ورود از طریق مسئولیت دادن به جوانان در عرصه‌های مختلف است که تأثیرات سیاسی عمیقی بر جای می‌گذارد. چنین سازماندهی در جوانان به صورت خودانگیخته و با وساطت تشکل‌های مدنی عمل می‌کند. در مقابل بی‌علاقگی جوانان به مسئولیت‌پذیری و مشارکت در فعالیت‌های سیاسی جامعه، معلول عدم آگاهی و شناخت آنان نسبت به مسائل سیاسی و نیز انفعال و بدگمانی‌ای است که میان آن‌ها وجود دارد. تصور جوانان از مفهوم سیاست و حکومت و حتی مسئولیت‌پذیری در گرایش آن‌ها مستقیماً اثرگذار است (شریتیان، ۱۳۹۱). لذا تربیت شهروندی و در جنبه دیگر، تعلیم و تربیت سیاسی می‌تواند شخصیت دانش‌آموزان را تا حد زیادی تحت تأثیر قرار دهد. فرایند تعلیم و تربیت سیاسی در جامعه منوط به این امر است که نهادهای آموزشی، از یک سو توسعه سیاسی جامعه را یکی از اهداف عالی برنامه‌ریزی‌های درسی آشکار و پنهان و به صورت مستمر و نهادینه شده قرار داده و از سوی دیگر، آگاهانه سواد سیاسی افراد

جامعه و نهادینه ساختن الگوهای وحدت‌بخشی و مشارکت‌محوری افزایش دهند. بر این اساس برنامه‌ریزی درسی و در محوریت آن، محتوای آموزشی و پرورشی در راستای تحقق الگوهای رفتاری انسجام‌بخش و مشارکت‌محوری جوانان و نوجوانان جامعه بنا خواهد شد. تربیت سیاسی افراد در مدارس و دانشگاه‌ها در جهت ایجاد وحدت و یگانگی با دیگر مجموعه‌های نظام سیاسی و اجتماعی حاکم باید شکل گیرد که این مهم منجر به تقویت هویت ملی، منطقه‌ای و قومی خواهد شد. تربیت سیاسی در جامعه با تکیه بر محتوای آموزشی و مبتنی بر سواد سیاسی، به مشارکت فعال و شهروندمداری نسل دانش‌پذیر جامعه کمک می‌نماید. در واقع برنامه‌ریزی درسی باعث شکل‌گیری جوانب شخصیت سیاسی و رفتار ثبات‌مند سیاسی نسل دانش‌پذیر جامعه در آینده خواهد شد. بنابراین وجود سواد و آگاهی سیاسی از طرق فرایندها و مکانیسم‌های اجتماعی می‌تواند اثرگذار بر تربیت سیاسی بوده مسئولیت‌پذیری و مشارکت سیاسی - اجتماعی دانش‌آموزان را در پی داشته باشد. نهاد آموزش در رشد مسئولیت‌پذیری اجتماعی جوانان از طریق برنامه درسی مستقیم و غیرمستقیم باید به ابعاد (شناختی، عاطفی و عملکردی) توجه کند. به صورت دقیق‌تر این سه بعد شامل «اول، رشد آگاهی‌ها و مهارت‌های عقلانی لازم برای شناخت انواع مسئولیت‌های اجتماعی (بعد شناختی)، دوم رشد عواطف مثبت نسبت به پذیرش انواع مسئولیت‌های اجتماعی (بعد عاطفی) و سوم، رشد مهارت‌های اجتماعی لازم برای اقدام به انواع مسئولیت‌های اجتماعی (بعد عملکردی) است» (سبحانی‌نژاد، ۱۳۷۹: ۹۶). متأسفانه محتوای برنامه‌های درسی در جامعه ما امروزه کمتر به این سه بعد پرداخته و بیشتر به ارائه اطلاعات صرف نظری، غیرعملی و مستقیم از انواع مسئولیت‌های اجتماعی و سیاسی محدود می‌شود. با توجه به چنین مسائل و خلأهای آموزشی، باید یکسری از راهبردها و راهکارهای ضرورت‌بخش را برای پیوند تعلیم و تربیت سیاسی و محتوای درسی و بالتبع آن، برنامه درسی جامعه حال حاضر نظام آموزشی ایران مورد توجه قرار داد.

در عین حال، یافته‌های پژوهشی موجود نیز نشان‌دهنده جایگاه و وضعیت نامناسب سیاسی در نظام‌های آموزشی مختلف در سطح جهان می‌باشد. بوتسک<sup>۱</sup> در پژوهش خود با اشاره به وضعیت نامطلوب رشد سواد سیاسی دانش‌آموزان آمریکایی،

نتیجه‌گیری می‌کند که تعداد قابل توجهی از دانش‌آموزان مورد بررسی وی، از نظر نگرش سیاسی کاملاً خنثی و بی‌تفاوت بوده، فاقد اطلاعات، معلومات و سواد سیاسی لازم هستند و در عین حال از قابلیت‌ها و مهارت‌های ضروری برای ایفای نقش مؤثر و معنادار در نظام سیاسی برخوردار نمی‌باشند (Botsch, 2000). مللور<sup>۱</sup> میزان آگاهی‌ها و نگرش‌های سیاسی دانش‌آموزان منطقه ویکتوریای استرالیا را مورد بررسی قرار داده و نتیجه می‌گیرد که عدم شناخت و آگاهی و سواد این دانش‌آموزان نسبت به فرایندهای سیاسی نهایتاً منجر به بی‌تفاوتی و بی‌توجهی آن‌ها به مسائل و پدیده‌های سیاسی و اجتماعی پیرامون خود شده است. از نظر این پژوهشگر علت اصلی این وضعیت نامناسب، فقدان یک برنامه درسی جامع، منسجم و مدون است که از طریق آن می‌توان عملاً سواد، آگاهی و بینش‌های لازم در مورد پدیده‌ها و جریان‌های سیاسی و نیز مهارت‌های اصلی تصمیم‌گیری جهت رفع تعارضات را در مدرسه به دانش‌آموزان ارائه و آموزش داد (Mellor, 1997).

در خصوص اهمیت اشکال تعلیم و تربیت سیاسی نیز، برخی از محققان جامعه‌شناس، تأثیر نهاد اجتماعی آموزش را بر نظام سیاسی هم به عنوان ابزار کنترل و مشروعیت‌بخشی و هم به عنوان منبع بالقوه ناخشنودی سیاسی مورد مطالعه قرار می‌دهند (شارع‌پور، ۱۳۸۶). یکی از شواهد این ادعا، سرمایه‌گذاری نظام‌های سیاسی کشورهای مختلف بر روی کودکان و نوجوانان از طریق آموزش و پرورش و ایجاد دلبستگی در افراد به خصوص کودکان و نوجوانان جهت تداوم و استمرار حاکمیت سیاسی خود است (رضوی و همکاران، ۱۳۸۹).

مطالب بیان‌شده اهمیت تعلیم و تربیت سیاسی را روشن کرده و گویای این نکته است که علی‌رغم آنکه توجه به تعلیم و تربیت سیاسی به عنوان یکی از ملزومات نظام آموزشی در برنامه‌های درسی دیگر کشورها و در سطح بین‌الملل و جهان به شمار می‌رود، اما تعداد پژوهش‌های صورت گرفته با این موضوع در کشورهای دیگر در مقایسه با کشور ما حاکی از آن است که تعلیم و تربیت سیاسی در برنامه‌های درسی نظام تربیتی کشورمان چه به صورت عام و کلی و چه به صورت مصداقی و موضوعی و بر اساس معیارهای بومی و جهانی در مقایسه با دیگر نظام‌های آموزشی مورد توجه

1. Mellor

جدی، قرار نگرفته است. با عنایت به این موضوع که آموزش محتوای کتاب‌های این دوره در ذهن دانش‌آموزان، اولین نقش‌هایی هستند که بر لوح صاف و سفید اندیشه سیاسی و اجتماعی آنان ترسیم می‌شوند، لذا پرداختن به این مقوله در محتوای برنامه‌درسی آموزش و پرورش کشورمان، امری مهم به شمار می‌رود. مطالعات انجام شده در خصوص تربیت سیاسی، حکایت از آن دارد که تمایلات و آمادگی‌های روانی لازم برای یادگیری سیاسی تا سنین ۱۲ یا ۱۳ سالگی به خوبی در افراد تثبیت می‌شود. بدین ترتیب، مهم‌ترین جوانب شخصیت سیاسی در سال‌های اولیه آموزشی به دست می‌آید و آنچه که دانش‌آموز در سال‌های تحصیل خویش می‌آموزد، سالیان سال با او باقی می‌ماند و رفتار سیاسی آتی او را شکل می‌دهد (رضوی و همکاران، ۱۳۸۹). دانش‌آموزان با خواندن کتاب‌های درسی می‌توانند اولین گام‌ها در جهت بهره‌مندی از سواد و آگاهی سیاسی مورد نیاز یک شهروند فعال، کنشگر، مسئولیت‌پذیر و مشارکت‌جو در ترسیم آینده اجتماعی جامعه خویش، بردارد. لذا می‌توان به صراحت ادعا نمود که توجه و پرداختن به موضوع سواد سیاسی در برنامه‌های درسی آموزش و پرورش و نظام تربیتی کشور علاوه بر معماری آینده کشور از سوی دانش‌آموزان تربیت‌یافته، در واقع بهره‌برداری زمانی از بهترین فرصت تربیت سیاسی نسل آینده کشور می‌باشد که غفلت نسبت به این مهم، می‌تواند لطمات جبران‌ناپذیری را به هویت ملی - سیاسی کشور وارد سازد.

بنابراین از حیث اهمیت، پرداختن به موضوع تعلیم و تربیت سیاسی در نظام تعلیم و تربیت و برنامه‌های درسی کشور در مقایسه با اهمیت این موضوع در پژوهش‌های خارجی دارای اولویت است. از حیث ضرورت نیز با توجه به عدم مفهوم‌پردازی مشخص میان اشکال و مراحل تعلیم و تربیت سیاسی و همچنین کاستی‌های توجه به این حوزه در نظام تعلیم و تربیت و برنامه‌های درسی مبنی بر نتایج پژوهش‌های صورت گرفته و مبتنی بر اهمیت مذکور، پرداختن به این موضوع ضروری است.

### تعلیم و تربیت سیاسی در اسناد فرادستی

از آن‌جا که نظام آموزش و پرورش یکی از نظام‌های مهم اجتماعی است که با نظام‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ارتباطی تنگاتنگ دارد و هر نوع



مطالعه و تهیه طرح و سند در ایران در حوزه تعلیم و تربیت و دوره‌های مختلف تحصیلی باید در راستای اسناد فرادستی انجام شود. در این میان تعلیم و تربیت سیاسی از این موضوع مستثنی نیست و بررسی ریشه‌ها و مبانی این تعلیم و تربیت در اسناد فرادستی امری اجتناب‌ناپذیر است. در ذیل به بررسی تعلیم و تربیت سیاسی در اسناد چهارگانه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی پرداخته و اصل متن و مفادی که به طور مستقیم و یا غیرمستقیم به این نوع از آموزش اشاره دارد، ذکر شده است.

### قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

در بند دوم از اصل سوم قانون اساسی به «بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر» اشاره شده است. همچنین در بند هشتم از همین اصل «مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش» مورد تأکید قرار گرفته است.

### چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی

در چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ نسبت به تعلیم و تربیت سیاسی افراد برای نیل به اهداف ذیل تأکید شده است:

- پیوستگی مردم و حکومت.
- زنده و نمایان نگاهداشتن اندیشه دینی و سیاسی حضرت امام خمینی (ره) و برجسته کردن نقش آن به عنوان یک معیار اساسی در تمام سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها.
- تلاش در جهت تبیین و استحکام مبانی مردم‌سالاری دینی و نهادینه کردن آزادی مشروع از طریق آموزش، آگاهی‌بخشی و قانونمند کردن آن.
- گسترش و عمق بخشیدن به روحیه تعاون و مشارکت عمومی و بهره‌مندی ساختن دولت از همدلی و توانایی عظیم مردم.
- تقویت امنیت و اقتدار ملی با تأکید بر رشد علمی و فن‌آوری؛ مشارکت و ثبات سیاسی.

### سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

یکی از اسناد مهمی که مطالعات آن طبق مصوبه هیئت وزیران در سال ۱۳۸۴ و شورای عالی آموزش و پرورش ۱۳۸۶ آغاز شده و در سال ۱۳۹۰ حاصل این مطالعات به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش و سپس شورای عالی انقلاب فرهنگی رسیده، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است. در این سند از حیات طیبه یاد شده است و در این باره آمده است: «حیات طیبه مفهومی یکپارچه و کلی ولی دربردارنده شئون متعددی است که در ارتباط و تعامل با همدیگر، این مفهوم پویا و متکامل را محقق می‌سازند. این شئون را با عنایت به ابعاد مختلف وجودی انسان و استقلال نسبی آن‌ها، می‌توان به این شرح شناسایی کرد: شأن اجتماعی و سیاسی؛ ناظر به ارتباط مناسب با دیگران (اعضای خانواده، خویشاوندان، دوستان، همسایگان، همکاران و...)، تعامل شایسته با نهاد دولت و سایر نهادهای مدنی و سیاسی (رعایت قانون، مسئولیت‌پذیری، مشارکت اجتماعی و سیاسی، پاسداشت ارزش‌های اجتماعی)، کسب دانش و اخلاق اجتماعی و مهارت‌های ارتباطی (بردباری، وفاق و همدلی، درک و فهم اجتماعی، مسالمت‌جویی، درک و فهم سیاسی، عدالت اجتماعی، درک و تعامل میان فرهنگی، تفاهم بین‌المللی، حفظ وحدت و تفاهم ملی)» (سند تحول، ۱۳۹۰: ۹۶).

در همین رابطه آمده است: «برخی از کارکردهای اجتماعی تربیت که عبارت‌اند از: گسترش عدالت‌خواهی و بسط سایر ارزش‌های اساسی اجتماع (جامعه‌پذیری در معنای تعالی‌جویانه آن)، پذیرش نظام سیاسی حق (حاکمیت اسلامی) و مشارکت در تثبیت و تعالی پیوسته آن، تقویت امنیت ملی، گسترش وحدت ملی و یگانگی اجتماعی، توجه نموده‌ایم که همه آن‌ها از جمله مصادیق تحقق ابعاد اجتماعی حیات طیبه هستند» (سند تحول، ۱۳۹۰: ۱۴۵).

یکی از ساحت‌های شش‌گانه تربیتی سند تحول، ساحت سیاسی و اجتماعی است. ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی ناظر به کسب شایستگی‌هایی است که مترجمان را قادر می‌سازد تا شهروندانی فعال و آگاه باشند و در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی مشارکت کنند. در خصوص اهداف سیاسی این ساحت آمده است:

- درک مناسب موقعیت اجتماعی و سیاسی خود و جامعه و مواجهه خردمندانه

- با تحولات اجتماعی و سیاسی بر اساس نظام معیار اسلامی، به منظور ساختن آینده‌ای روشن و تأثیرگذاری بر آینده خود و جامعه در سطح ملی و جهانی؛
- توسعه آزادی و مرتبه وجودی خویش و دیگران در پرتو درک و اصلاح موقعیت اجتماعی خود و دیگران (اعضای خانواده، خویشاوندان، دوستان، همسایگان، همکاران و همشهریان و هموطنان و...)، برقراری رابطه سازنده و مناسب با ایشان بر اساس نظام معیار اسلامی و کسب صفاتی جمعی نظیر احسان، مهرورزی، انصاف، خیرخواهی، بردباری، وفاق، همدلی و مسالمت‌جویی؛
  - تعامل شایسته با نهاد دولت و سایر نهادهای مدنی و سیاسی و کسب شایستگی‌هایی نظیر رعایت قانون، مسئولیت‌پذیری، مشارکت اجتماعی و سیاسی و پاسداشت ارزش‌های اجتماعی در جهت شکل‌گیری جامعه صالح و پیشرفت مداوم آن بر اساس نظام معیار اسلامی؛
  - مشارکت جمعی مؤثر در حیات اجتماعی و سیاسی با رعایت اصول حق‌طلبی، حفظ کرامت و عزت، ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی، کسب و حفظ استقلال همه‌جانبه، مراعات حقوق و آزادی‌های مشروع دیگران، پیشرفت مردم‌سالاری دینی، بسط عدالت اجتماعی (سند تحول، ۱۳۹۰: ۱۵۵).
- در بخش مبانی اساسی تربیت رسمی و عمومی سند تحول، چهار گروه مبانی سیاسی، مبانی حقوقی، مبانی روان‌شناختی و مبانی جامعه‌شناختی، با توجه به خصوصیات تربیت رسمی و عمومی، مطرح شده است که در خصوص مبانی سیاسی آمده است: «تربیت رسمی و عمومی به دلیل قانونمندی، رسمیت، عمومیت و الزام‌آور بودن حضور مترجمان در آن با نظام سیاسی حاکم بر جامعه نسبت وثیقی برقرار می‌کند. از این رو تدوین فلسفه تربیت هر جامعه نمی‌تواند نسبت به مقتضیات سیاسی آن جامعه بی‌تفاوت باشد. بنابراین در تبیین الگوی تربیت رسمی و عمومی برای نظام جمهوری اسلامی ایران باید به ویژگی‌های سیاسی این نظام نیز توجه شود. «مبانی سیاسی» آن دسته از گزاره‌های مفروضی هستند که از یک سو جایگاه تربیت را در نظام سیاسی کشور جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهند و از دیگر سو چگونگی دخالت و تأثیر نظام سیاسی را در حوزه تربیت بیان می‌کنند» (سند تحول، ۱۳۹۰: ۲۰۶).
- همچنین در رابطه با تربیت سیاسی رسمی نکات ذیل مورد تأکید قرار گرفته است:

- تربیت شایسته عموم مردم به لحاظ حاکمیت اصل مردم‌سالاری دینی در حکومت اسلامی، هم از جمله اهداف تشکیل حکومت است و هم با توجه به تکیه این نوع حکومت بر انتخاب و حضور آگاهانه مردم، راهکار اصلی حفظ و تداوم نظام سیاسی مطلوب به شمار می‌آید (سند تحول، ۱۳۹۰: ۲۰۷).
- نهادهای تربیتی در جامعه اسلامی نسبت به زمینه‌سازی برای حضور آگاهانه و مشارکت فعال عموم مردم در حیات اجتماعی و سیاسی و تلاش و مجاهدت آحاد متریبان برای پیشرفت و اعتلای مداوم جامعه مسئولیت دارند (سند تحول، ۱۳۹۰: ۲۰۸).
- تمهید مقدمات لازم جهت تربیت اجتماعی و سیاسی، تربیت اقتصادی و حرفه‌ای، تربیت علمی و فناوری، تربیت هنری، زیبایی‌شناختی، تربیت زیستی و بدنی و غیره افراد جامعه نیز از وظایف اصلی دولت اسلامی است (سند تحول، ۱۳۹۰: ۲۰۹).
- تربیت رسمی و عمومی براساس این دیدگاه، ضمن تکیه بر این نگرش، شرایطی را فراهم می‌آورد که متریبان از انفعال و پذیرش مطلق محیط به سوی مواجهه فعال با محیط و عناصر موقعیت خود روی آورند. آن‌ها باید با موقعیت‌های زندگی خود نقادانه برخورد کنند و به اصلاح و بهبود آن‌ها پردازند. لذا نظام تربیت رسمی و عمومی، باید فعالانه در جریان تحولات اجتماعی حضور یابد و از برخورد انفعالی با تحولات پرهیز کند. از این‌رو مدرسه و کارگزاران آن، به ویژه معلمان، همواره باید در هدایت تحولات اجتماعی نقشی سازنده داشته باشند. تربیت رسمی و عمومی زمانی می‌تواند محملی برای ایجاد شایستگی‌های لازم (جهت درک و بهبود موقعیت متریبان) شود که این کارکرد در مدرسه و کارگزاران آن مشاهده شود. شایان تذکر است که این سخن نباید به معنای سیاست‌زدگی مدرسه و کارگزاران آن تلقی شود و مدرسه را وارد جریان‌ات سطحی و گذرای سیاسی جامعه کند (سند تحول، ۱۳۹۰: ۲۵۴).
- بسط مشارکت سازنده و نقش‌آفرینی عموم آحاد مردم در تحولات اجتماعی و سیاسی مورد انتظار در نظام اجتماعی - سیاسی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی (سند تحول، ۱۳۹۰: ۳۴۰).

- تربیت اجتماعی و سیاسی؛ ناظر به آماده‌سازی متربیین در مسیر تحقق شأن اجتماعی و سیاسی حیات طیبه در ارتباط با دیگران و تعامل با نهاد خانواده و سایر نهادهای مدنی و سیاسی بر اساس نظام معیار (سند تحول، ۱۳۹۰: ۴۳۲).

### برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران

یکی دیگر از اسناد مهم که در راستای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به توصیه شورای عالی آموزش و پرورش نوشته و در بهمن ۱۳۸۹ برای تصویب به این شورا پیشنهاد شده برنامه درسی ملی است. این برنامه در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش و پرورش تهیه شده است و در آن تعریف، اهداف تولید برنامه درسی ملی، اصول حاکم بر فرایند تولید، مبانی فلسفی و علمی، اهداف و الگوهای هدف‌گذاری، ساختار، زبان و محتوا، راهبردهای یاددهی - یادگیری، ارزشیابی پیشرفت تحصیلی، فرایند تولید برنامه‌ها و مواد و رسانه‌های درسی و تربیتی، استلزامات و اقتضائات اجرایی، ارزشیابی برنامه درسی ملی و فرایند اصلاح آن مورد بحث قرار گرفته است. در این سند به سبب ماهیت برنامه درسی و توجه ویژه به ساختار نظام آموزشی، کمتر به محتوا و مبانی سیاسی توجه شده و از تعلیم و تربیت سیاسی مطالب چندانی بیان نشده است. صرفاً در بند هفتم از اصل سوم این سند ذیل موضوع علم نسبت به «آشنایی با ویژگی‌های نظام مردم‌سالار دینی و جایگاه و رسالت جهانی ایران اسلامی» (سند برنامه درسی ملی، ۱۳۹۱: ۱۷) تأکید شده است که در واقع آشنایی با نظام مردم‌سالار در چارچوب آگاهی سیاسی امکان‌پذیر است.

### جمع‌بندی تعلیم و تربیت سیاسی در اسناد فرادستی

بنابراین از بررسی‌های به عمل آمده در اسناد بالادستی نظام تربیتی کشور، می‌توان بر این نکته اذعان نمود که توجه به مقوله سیاست به صورت عمومی و مقولات خاصی چون، تربیت سیاسی، تربیت شهروندی، آگاهی سیاسی و به ویژه سواد سیاسی در حوزه تعلیم و تربیت، امری مطلوب و اجتناب‌ناپذیر است. در این مقال توجه به این نکته حائز اهمیت است که دانش سیاسی، تربیت شهروندی و برخی دیگر از مفاهیم میانی حوزه سیاسی و تعلیم و تربیت، کارکردی متفاوت از سواد سیاسی دارند. اگرچه پرداختن به تمامی این مفاهیم، امری لازم و مطلوب است، اما توجه بیش از پیش به

مفهوم سواد سیاسی و آموزش مؤلفه‌های سواد سیاسی در نظام تربیتی کشور، علاوه بر حصول و ارتقای مفاهیمی چون، مشارکت سیاسی، دانش سیاسی، تربیت شهروندی و غیره، بهره‌مندی از قدرت تحلیلی و نقادی مبتنی بر اصول مفروض اسلامی - ایرانی در چارچوب تفکر خلاق و موشکافانه در تصمیم‌گیری و نقش‌آفرینی سیاسی و اجتماعی متریبان و کنشگران آینده کشور را به همراه خواهد داشت.

### **تعلیم و تربیت سیاسی در پژوهش‌های داخلی و خارجی**

در بسیاری از پژوهش‌ها چه در حوزه برنامه‌درسی و چه در حوزه‌های سیاسی و جامعه‌شناسی، شاهد پژوهش‌های متعددی در باب درهم‌تنیدگی نظری دو حوزه آموزش و سیاست و لزوم توجه بیش از پیش به این ارتباط در بعد نظری هستیم. اما آنچه از اهمیت بیشتری برخوردار است، عرصه یا عرصه‌های کاربردی و عملی تلفیق این دو حوزه می‌باشد. تعلیم و تربیت سیاسی به عنوان یک مفهوم میان‌رشته‌ای در واقع به عنوان یکی از مهم‌ترین حلقه‌های اتصال این دو حوزه قلمداد شده و در عرصه عمل نیز باید مورد توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان درسی کشور قرار بگیرد. در این مجال، آشنایی با ادبیات پژوهشی تعلیم و تربیت سیاسی با بررسی برخی از مهم‌ترین منابع و نتایج پژوهش‌های صورت گرفته در داخل و خارج از ایران می‌تواند در ورود به عرصه نظری این موضوع از اهمیت به‌سزایی برخوردار باشد.

### **پژوهش‌های داخلی**

نتایج پژوهش وکیلی (۱۳۷۱) در زمینه میزان آگاهی و مشارکت سیاسی دانش‌آموزان سال دوم دبیرستان‌های تهران نشان می‌دهد که بین میزان آگاهی سیاسی پسران و دختران تفاوتی نیست. نتیجه دوم پژوهش این است که بین مشارکت سیاسی دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت وجود دارد؛ یعنی مشارکت دختران از پسران کمتر است و علت آن می‌تواند این باشد که اصولاً دختران در فعالیت‌های خارج از خانه بیشتر تحت تأثیر خانواده هستند و دیگر این‌که جامعه برای فعالیت‌های دختران محدودیت ایجاد می‌کند.

فلاح و زاهدی اصل (۱۳۷۸) در پژوهشی با عنوان «جامعه‌شناسی بررسی آگاهی سیاسی دانشجویان دانشگاه شاهد» به این نتیجه رسیدند که پاسخگویان در کلیه

زمینه‌های مختلف سیاسی از لحاظ میزان آگاهی در سطح متوسط قرار دارند و هیچ اختلاف معناداری بین ورودی‌های مختلف دانشگاه و فارغ‌التحصیلان آن و همچنین بین دانشکده‌های مختلف دانشگاه شاهد از لحاظ میزان آگاهی سیاسی وجود ندارد.

بازیگر و مرادی‌زاده (۱۳۸۳) در پژوهشی با عنوان «سنجش میزان آگاهی سیاسی دانش‌آموزان شاهد مقطع متوسطه استان لرستان» به این نتیجه رسیدند که میزان آگاهی سیاسی دانش‌آموزان دختر و پسر شاهد درباره مقوله رهبری، ریاست جمهوری، قوه قضائیه و وقایع انقلاب اسلامی تفاوت معناداری وجود ندارد.

نوروزی و همکاران (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر تربیت و مشارکت سیاسی دانش‌آموزان شهر اصفهان» به دنبال بررسی عوامل مؤثر بر تربیت و مشارکت سیاسی دانش‌آموزان مراکز پیش‌دانشگاهی شهر اصفهان بوده است. نتایج نشان می‌دهد که هر یک از عوامل هشت‌گانه، سهم متفاوتی بر تربیت و مشارکت سیاسی دانش‌آموزان دارد و در میان عوامل هشت‌گانه، عامل اقتصاد دارای رتبه اول و آموزشگاه دارای آخرین رتبه است. نوروزی نتیجه می‌گیرد که نتایج تفاوت نقش عوامل هشت‌گانه مؤثر بر تربیت و مشارکت سیاسی دانش‌آموزانی که مشارکت سیاسی دارند با دانش‌آموزانی که فاقد مشارکت سیاسی هستند، بیانگر این است که دانش‌آموزان دختر و پسر در این مورد دیدگاه‌های متفاوتی دارند. دانش‌آموزان پسر دارای مشارکت سیاسی نسبت به دانش‌آموزان پسر فاقد مشارکت سیاسی تأثیر عوامل هشت‌گانه را بر تربیت و مشارکت سیاسی بیشتر دانسته‌اند در صورتی که دانش‌آموزان دختر دارای مشارکت سیاسی نسبت به دانش‌آموزان دختر فاقد مشارکت سیاسی فقط عوامل گروه همسالان، جامعه، اقتصاد و پایبندی مذهبی را دارای تأثیر بیشتری بر تربیت و مشارکت سیاسی دانش‌آموزان دانسته‌اند. وی همچنین نتایج به دست آمده در مورد اینکه آیا دانش‌آموزان دختر و پسر در مورد تأثیر عوامل مختلف بر تربیت و مشارکت سیاسی دانش‌آموزان دیدگاه‌های متفاوتی دارند را نشانگر این می‌داند که دانش‌آموزان دختر، تأثیر عوامل خانواده و رسانه‌های گروهی را بر تربیت و مشارکت سیاسی بیشتر از پسران دانسته‌اند. البته دانش‌آموزان دختر و دانش‌آموزان پسر، تأثیر عوامل آموزشگاه، گروه همسالان، جامعه، فرهنگ، اقتصاد و پایبندی مذهبی را بر تربیت و مشارکت سیاسی دانش‌آموزان یکسان دانسته‌اند و تفاوتی بین دیدگاه‌های

دختران و پسران وجود ندارد. وی در قسمت پایانی پژوهش خود عنوان می‌دارد که نتایج تفاوت بین رشته تحصیلی و عوامل هشت‌گانه مؤثر بر تربیت و مشارکت سیاسی بیانگر این است که بین نظر دانش‌آموزان دختر و پسر رشته‌های مختلف تفاوت وجود دارد. البته بین نظر دانش‌آموزان پسر رشته‌های تجربی، ریاضی و انسانی در مورد تأثیر عوامل آموزشگاه، رسانه‌های گروهی، فرهنگ و پایبندی مذهبی و همچنین بین نظر دانش‌آموزان دختر رشته‌های مختلف در مورد تأثیر عوامل خانواده، آموزشگاه، گروه همسالان، رسانه‌های گروهی، اقتصاد و پایبندی مذهبی تفاوت وجود ندارد.

مسعودنیا (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «مقایسه آگاهی سیاسی دانش‌آموزان شاهد و غیرشاهد دوره دبیرستان در استان اصفهان» نشان داد که اکثریت دانش‌آموزان از نظر میزان و رتبه‌بندی آگاهی سیاسی، در سطح پایه قرار دارند. وی در این پژوهش بیان می‌دارد که بالاترین سطح آگاهی دانش‌آموزان با توجه به پنج بعد آگاهی سیاسی، به ترتیب مربوط به بعد مفاهیم سیاسی (با میانگین ۴/۳۵ برای دانش‌آموزان شاهد و ۴/۷۴ برای دانش‌آموزان غیر شاهد)، بعد نهادهای سیاسی (میانگین ۴/۰ برای دانش‌آموزان شاهد و ۴/۰۹ برای دانش‌آموزان غیر شاهد)، بعد چهره‌های سیاسی (میانگین ۲/۸۴ برای دانش‌آموزان شاهد و ۲/۷۷ برای دانش‌آموزان غیر شاهد)، بعد تصمیمات سیاسی (میانگین ۲/۳ برای دانش‌آموزان شاهد و ۲/۲۴ برای دانش‌آموزان غیر شاهد) و بعد رویدادهای سیاسی (با میانگین ۲/۰۴ برای دانش‌آموزان شاهد و ۲/۱۲ برای دانش‌آموزان غیر شاهد) و بعد رویدادهای سیاسی (با میانگین ۲/۰۴ برای دانش‌آموزان شاهد و ۲/۱۲ برای دانش‌آموزان غیر شاهد) بوده است. همچنین وی نتیجه می‌گیرد که در مقایسه میزان آگاهی سیاسی دانش‌آموزان شاهد و غیرشاهد، هیچ‌گونه تفاوت معنادار میان دو گروه از دانش‌آموزان از نظر آگاهی سیاسی به‌طورکلی و نیز از نظر هر یک از ابعاد آگاهی سیاسی وجود نداشته است.

علمی (۱۳۸۷) در پژوهش خود با عنوان «جنسیت، آگاهی سیاسی و مشارکت سیاسی دانشجویان» به بیان این نکته پرداخته است که میزان مشارکت سیاسی دانشجویان پسر و دختر متفاوت است. بر همین اساس وی نتیجه می‌گیرد سطح آگاهی سیاسی پسران بیشتر از دختران است و بین مشارکت سیاسی دانشجویان و میزان آگاهی سیاسی آنان نیز ارتباط معناداری وجود دارد.



مسعودنیا و همکارانش (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «تأثیر آگاهی سیاسی دانشجویان بر تغییر نگرش آن‌ها نسبت به مشروعیت نظام سیاسی بر اساس نظریه وبر» نتیجه می‌گیرد که مشروعیت سیاسی در سه بعد سنتی، کاریزماتیک و عقلانی می‌تواند تحت تأثیر مؤلفه‌ها و متغیرهای مختلف باشد و در میان آن‌ها آگاهی سیاسی نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ای دارد. همچنین نتایج این تحقیق نشان می‌دهد فرضیه اصلی وبر را که با افزایش آگاهی سیاسی در یک جامعه، مشروعیت نظام از سنتی به سمت عقلانیت در حرکت است تأیید می‌کند. از این‌رو هر اندازه آگاهی سیاسی در میان دانشجویان بالاتر رود، در نگرش آن‌ها مشروعیت سیاسی نظام، از سنتی به سمت عقلانیت حرکت می‌کند. نکته دیگر در خصوص این پژوهش این است که با افزایش میزان آگاهی سیاسی دانشجویان، در نگرش آن‌ها مشروعیت کاریزماتیک نیز بالاتر می‌رود و این نتیجه خود می‌تواند عاملی در تقویت شخصیت‌های کاریزماتیک جامعه و حمایت از آن‌ها باشد.

امینی و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی اثربخشی برنامه درسی تربیت سیاسی مقطع متوسطه از دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان: مطالعه موردی شهر کاشان» به میزان اثربخشی برنامه درسی تربیت سیاسی مقطع متوسطه از دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان این مقطع در شهرستان کاشان پرداخته‌اند. نویسندگان در این پژوهش مستنداً نشان دادند که بین نظرات و دیدگاه‌های دبیران و دانش‌آموزان در مورد اثربخشی (تحقق اهداف) برنامه درسی تربیت سیاسی در مقطع متوسطه در زمینه ایجاد آگاهی‌های سیاسی در مورد جامعه ایران و جامعه جهانی، ایجاد و رشد ارزش‌ها و نگرش‌های مثبت سیاسی و انگیزه جهت مشارکت در فعالیت‌های سیاسی و مهارت‌های مشارکت در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و تحلیل و نقد وضعیت موجود تفاوت آماری معنادار وجود دارد. آنان در پایان پژوهش نتیجه می‌گیرند که در زمینه تربیت سیاسی در مقطع متوسطه میان دیدگاه‌ها و ادراکات دبیران (برنامه درسی آموزشی) و نوع تجارب و دریافت‌های واقعی و عملی دانش‌آموزان (برنامه درسی تجربه شده) تفاوت و شکاف عمیقی وجود دارد که برنامه درسی تربیت سیاسی را در مقطع متوسطه عملاً فاقد اثربخشی و کارآمدی می‌کند.

شهرام‌نیا و ملاتی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «تحلیل تأثیر آگاهی سیاسی

معلمان بر شرکت در انتخابات» به بررسی میزان آگاهی فرهنگیان در امور سیاسی پرداخته و میزان اثرگذاری آگاهی سیاسی در انتخابات چه مثبت یا منفی به عنوان یک شهروند را مورد پژوهش قرار دادند.

رضوی و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی با نام «بررسی تربیت سیاسی در برنامه درسی رسمی دوره ابتدایی» به بررسی وضعیت فعلی تربیت سیاسی در برنامه درسی رسمی یا فعلی دوره ابتدایی پرداخته و بر این اساس نتیجه می‌گیرند که از منظر تربیت سیاسی، در برنامه درسی دوره ابتدایی تأکید زیادی بر اهداف شناختی است. بدین معنی که در برنامه درسی دوره ابتدایی دانش‌آموزان با موضوعات و مفاهیمی از جمله حقوق و تکالیف، فرهنگ بومی، نمادها و نشانه‌های سیاسی، وقایع سیاسی (مثل جنگ تحمیلی)، قوانین و مقررات، ارکان حکومت، مراسم عبادی - سیاسی و نظایر آن آشنا می‌شوند. در وهله دوم، تأکید بر اهداف نگرشی است. در این بعد بر مواردی نظیر علاقه‌مندی به همکاری و همدلی، علاقه به رعایت مقررات و قانون، احترام به نمادهای سیاسی، احساس مسئولیت نسبت به دیگران، علاقه و افتخار به میهن، علاقه به خداوند، اشتیاق به شرکت در مراسم عبادی - سیاسی تأکید دارد و بالاخره اینکه بعد مهارتی یا رفتاری در برنامه درسی دوره ابتدایی بسیار کم‌رنگ است. بدین معنی که به مهارت‌هایی نظیر مشارکت و همکاری در امور مدنی و سیاسی، تصمیم‌گیری و تفکر بی‌توجهی است. نویسندگان در پایان پژوهش خود به موضوع ارزشیابی و سنجش این دوره پرداخته و تأکید زیادی بر ارزشیابی مستمر دارند. نیلی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «بررسی میزان سواد سیاسی و اجتماعی شهروندان بزرگسال شهر اصفهان» با هدف تعیین میزان سواد اجتماعی و سیاسی بزرگسالان شرکت‌کننده در مراکز آموزشی غیررسمی بزرگسالان شهر اصفهان، نتیجه می‌گیرند که در جامعه ایران، میزان سواد اجتماعی و سیاسی شهروندان بزرگسال در حد مطلوب نیست. آنان علاوه بر این بیان می‌دارند میزان سواد سیاسی مردان بیشتر از زنان بوده است در حالی که در بعد سواد اجتماعی تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین آن‌ها وجود ندارد. نیلی و همکاران نتیجه می‌گیرند، در بعد آگاهی سیاسی، میانگین بزرگسالان گروه سنی بالاتر از ۳۰ سال بزرگ‌تر از دو گروه دیگر است، در حالی که در بعد آگاهی اجتماعی میانگین بزرگسالان گروه سنی ۴۳-۵۰ سال بزرگ‌تر است. این

پژوهش در پایان نتیجه می‌گیرد که بین سواد اجتماعی و سیاسی بزرگسالان با سطح تحصیلات مختلف تفاوت معناداری وجود دارد.

### پژوهش‌های خارجی

چارلتون<sup>۱</sup> (۱۹۶۴) در پژوهش خود با عنوان «سواد سیاسی از طریق آموزش ابتدایی» بر این نکته تأکید دارد که برای افزایش سواد سیاسی در میان دانشجویان آمریکایی، باید از دوران پیش از ورود به دانشکده و در دوران متوسطه آنان را با موضوعات سیاسی آشنا نمود تا از این طریق بتوان سواد سیاسی در بین قشر تحصیلکرده و دانشگاهی را ارتقا بخشید. وی در این مقاله به بیان چند پیشنهاد در خصوص این امر می‌پردازد. اول اینکه در برنامه درسی دوران متوسطه باید به موضوعات سیاسی روز و تعاریف مفاهیم سیاسی پرداخته شود و صرفاً بیان تاریخ سیاسی و مشکلات سیاسی پس از جنگ جهانی دوم کمکی به سواد سیاسی نخواهد کرد. نویسندگان در دومین نکته اشاره دارد به لیستی از مطالعات مهم در حوزه‌های مطرح از قبیل سیاست، اقتصاد، مذهب و غیره که باید دانش‌آموزان را به خواندن این لیست قبل از ورود به دانشگاه ترغیب کرده و پس از ورود به دانشگاه نسبت به مطالعات پیشینی‌شان ارزیابی صورت گیرد. سوم آنکه نسبت به برگزاری واحدهای سیاسی در مراتب مختلف دانشگاهی اقدام شود. آزادی فکر و بیان نظرات سیاسی از دیگر راه‌های بالابردن سواد سیاسی در دوران آموزش است که چارلتون به آن اشاره می‌کند. وی در نهایت انتخابات درون دانشکده‌ای برای آشنایی دانشجویان با فرایند انتخابات سیاسی آگاهانه و به عبارتی افزایش سواد سیاسی را پیشنهاد می‌کند.

مان<sup>۲</sup> (۱۹۷۰) در پژوهشی با عنوان «سیاست و برنامه درسی» به بررسی فاصله میان مسائل سیاسی و آموزشی پرداخته و به دنبال پاسخگویی به دو سؤال کلی است. اول آنکه چه رابطه‌ای میان عناصر طغیانگری آموزشی و سیاسی میان دانش‌آموزان وجود دارد؟ دوم آنکه مجریان برنامه درسی در برخورد با شورش‌های احتمالی در مدارس چه رویه‌ای را پیش می‌گیرند؟ نویسندگان پس از پاسخگویی به این دو سؤال و در نتیجه مطلب خویش، به موضوع درآمیختگی آموزش و سیاست اشاره دارد و معتقد است، علی‌رغم ناخوشایندی این موضوع برای بسیاری از افراد، اما این واقعیت وجود دارد که تغییرات

---

1. Charlton  
2. Mann